خراسان بزرگ: سال ششم، شماره (۲۰)، پاییز ۱۳۹٤
Quarterly bulletin of Greater Khorasan:Vol.6, No.20, Fall 2015

تپه‌های أنبَزَک*: نویافته‌هایی از دوران هخامنشی و اشکانی در شرق خراسان (ایران)؛ تربت‌جام

جواد خدادوست[1]
سیدرسول موسوی حاجی[2]
شهین پورعلی‌یاری[3]
علی‌اصغر محمودی‌نسب[4]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۶/۰۱
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۵/۲۷
شماره صفحات: ۱۲۲-۱۰۹

چکیده

دشت جام یکی از مهم‌ترین مناطق اُستان خراسان ضوی است که به سبب برخورداری از شرایط اقلیمی، ارتباطی و اقتصادی مناسب همواره پذیرای استقرارهای انسانی بوده است. شواهد باستان‌شناسی و منابع تاریخی، شکوفایی این دشت را در دوران پیش از تاریخ و به‌ویژه دوران اسلامیتأیید می‌نمایند؛ امّابا تعجب فراوان اطلاعات چشم‌گیری از وجود دوران تاریخی در این دشت ارائه نمی‌نمایند و بر همین اساس شناسایی و مطالعه محوطه‌های مربوط به این دوران می‌تواند حائز اهمیت باشد. در سال ۱۳۹۱ خورشیدی، در جریان ساماندهی اشیای موزه مردم‌شناسی تربت‌جام چند قطعه سفال شناسایی گردید که مشابه گونه‌های هخامنشی در سایر نقاط ایران بود. با توجه به اهمیت یافته‌ها، نگارندگان (با استفاده از اطلاعات موجود)به بازدید از محل کشف آنها پرداختند و توانستند تپه‌های معروف به أنبَزَکرا شناسایی نمایند و سپس با گردآوری، مطالعه و تحلیل تمام مواد مکشوفه،وجود لایه‌ها و مواد فرهنگی مربوط به دوران هخامنشی و اشکانی را در این تپه‌ها به اثبات برسانند. در این پژوهش که با رویکرد توصیفی- تحلیلی و با استناد به داده‌های میدانی و منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته است،پس از ثبت ویژگی‌های توپوگرافی تپه‌ها، تمام مواد مکشوفه به پایگاه میراث فرهنگی منتقل شده و مطالعه و بررسی بر روی این قطعات انجام شده است. در این فرآیند، مهم‌ترین اقدام، ثبت و ضبط تمامی اطلاعات از یافته‌های فرهنگی بوده و بر همین اساس بررسی آماری متغیرهای گوناگون، طراحی، مقایسه و در نهایت تاریخ‌گذاری نسبی آنها به دقت صورت پذیرفته است. شناسایی این دو تپه و گاهنگاری نسبی آنها در واکاوی مسائل تاریخی و فرهنگی دشت جام و اُستان خراسان بسیار مهم است؛ چرا که بر خلاف اهمّیت شمال‌شرق خراسان در دوران تاریخی و تأکیدات منابعی همچون سنگ‌نبشته بیستون، تا کنون محوطه خاصّی مرتبط با این دوران (به‌ویژه دوره هخامنشی) معرفی نگردیده بود و پژوهش حاضر می‌تواند گامی مقدماتی در این زمینه به‌شمار رود.

کلیدواژه‌ها: خراسان، تربت‌جام، روستای إبدال‌آباد، تپه أنبَزَک، دوره هخامنشی، دوره اشکانی.

---

۱ دانشجوی دکتری باستان‌شناسی؛ دانشگاه مازندران. بابلسر. ایران؛ (نویسنده مسئول) Javad.Khodadoost@Gmail.Com
۲. دانشیار باستان‌شناسی؛ دانشگاه مازندران. بابلسر ایران
۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی؛ دانشگاه مازندران. بابلسر. ایران.
۴. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی؛ دانشگاه مازندران. بابلسر. ایران

*.Anbazak

مقدمه

دشت میانکوهی جام ازجمله دشت‌های حاصلخیز استان خراسان رضوی است که به‌دلیل قرارگیری در میان راه‌های ارتباطی سه کشور ایران، افغانستان و ترکمنستان از دیرباز مورد توجه بوده است. علاوه بر این، موقعیت مطلوب کشاورزی و زمین سیمای مطلوب نظامی و اقتصادی از دیگر عواملی است که سبب اهمیت این دشت گردیده است. دشت جام از شمال به دشت فرهادگرد و توس، از مشرق به رودخانه هریرود (مرز ایران و ترکمنستان)، از مغرب به رشته کوه‌های بینالود و دشت باخرز و از جنوب به دشت تایباد و مرز ایران و افغانستان محدود می‌شود. شهرستان تربت‌جام، بزرگ‌ترین استقرار انسانی در دشت جام محسوب می‌شود که در کرانه جام‌رود و در میانه این دشت شکل گرفته است. قدمت این شهرستان با توجه به شواهد موجود به دوران مفرغ می‌رسد* (لباف خانیکی، ۱۳۶۴). علاوه بر شهر تربت‌جام، می‌توان از روستاها و استقرارهای زیادی نیز در این دشت وجود دارند که اغلب به کشاورزی و دامداری اشتغال دارند. در این مقاله به معرفی تپه‌های انبزک** پرداخته می‌شود. نگارندگان، در سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ خورشیدی در جریان مطالعه و مستندسازی اشیای موجود در آرشیو میراث فرهنگی شهرستان تربت‌جام، چند قطعه سفال که از «تپه أنبَزَک» روستای ابدال‌آباد جمع-آوری شده بود را مورد مطالعه قرار داده و پس از گونه‌شناسی دریافتند که قطعات مذکور مربوط به دوران هخامنشی هستند. به‌دلیل اهمیت موضوع، نگارندگان با مراجعه به روستای ابدال‌آباد در بخش بالاجام (تصویر ۱)، به بازدید از محوطه پرداخته و سفالهای بیشتری از تپه‌أنبَزَک غربی جمع‌آوری کرده و با راهنمایی مردم محلی تپه أنبَزَک شرقی را نیز شناسایی نمودند. تمامی این سفال‌ها پس از جمع‌آوری به پایگاه میراث فرهنگی منتقل شد و پس از آن مراحل مختلف مطالعات بر روی آن‌ها انجام گردید. در مراحل مطالعه سفال‌ها نیز به طراحی، مقایسه و تاریخ‌گذاری نسبی پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش‌های باستان‌شناسی شهرستان تربت‌جام

متأسفانه بر خلاف این شرایط و احتمال وجود استقرارهای مهم باستانی در این دشت، فعالیت‌های پراکنده‌ای در ارتباط با شناسایی و بررسی آثار و محوطه‌های دشت جام صورت پذیرفته است؛ چراکه دوری از مرکز و عدم وجود امنیت در سالیان نه چندان دور، سبب غفلت باستان‌شناسان از این ناحیه ارزشمند گردیده است. شاید بتوان بررسی‌های خطی*** باستان‌شناسان آلمانی را نخستین نمونه از این فعالیت‌ها در نظر گرفت که در سال ۱۹۷۴ میلادی (در جریان سفر به افغانستان) به ذکر برخی از محوطه‌های تربت‌جام و تایباد پرداخته‌اند (Korbel, 1983)؛ در این بررسی، محوطه مخار و مجموعه رباط شاه عباسی از مهم‌ترین محوطه-های مورد بازدید هیئت بوده است. سپس، مفصل‌ترین بررسی‌های باستان‌شناختی از سوی پژوهشکده باستان‌شناسی کشور و توسط هیئتی به سرپرستی رجبعلی لباف خانیکی در سال ۱۳۶۴خورشیدی، انجام شده است که حاصل کار آنان شناسایی محوطه‌های مهمی از دوران پیش از تاریخ بویژه مفرغ و دوران اسلامی بود. در این بررسی استقرارهای پراکنده‌ای از دوران تاریخی نیز شناسایی گردید که اغلب مربوط به دوره ساسانی بوده است (لباف خانیکی، ۱۳۶۴). گام بعدی در این زمینه، توسط دو زمین‌شناس به نام‌های علی آریایی و تیبالت برداشته شد که در نتیجه آن محوطه‌های مهمی از دوران پارینه‌سنگی در بخش شمالی این شهرستان و در نزدیکی کشف رود شناسایی شد (Ariai& Thibault; 1975؛ جامی‌الأحمدی، ۱۳۸۷).پس از آنتیز بررسی‌هایی از سوی هنرشناسان و همچنین معماران بر روی بناهای شاخص دوران اسلامی همچون مجموعه شیخ احمد جامی انجام گرفته و نتایج آن نیز منتشر شده است (Okeane, 1979; Okeane, 1987; Golombek& Wilber, 1988). همانطور که ملاحظه می‌گردد در خلال هیچ‌یک از این بررسی‌ها محوطه‌ای از دوران هخامنشی مورد شناسایی قرار نگرفته است و از این جهت کشف این دو محوطه حائز اهمیت فراوانی در شناخت و واکاوی تاریخ این منطقه خواهد بود.

تپه أنبَزَک غربی

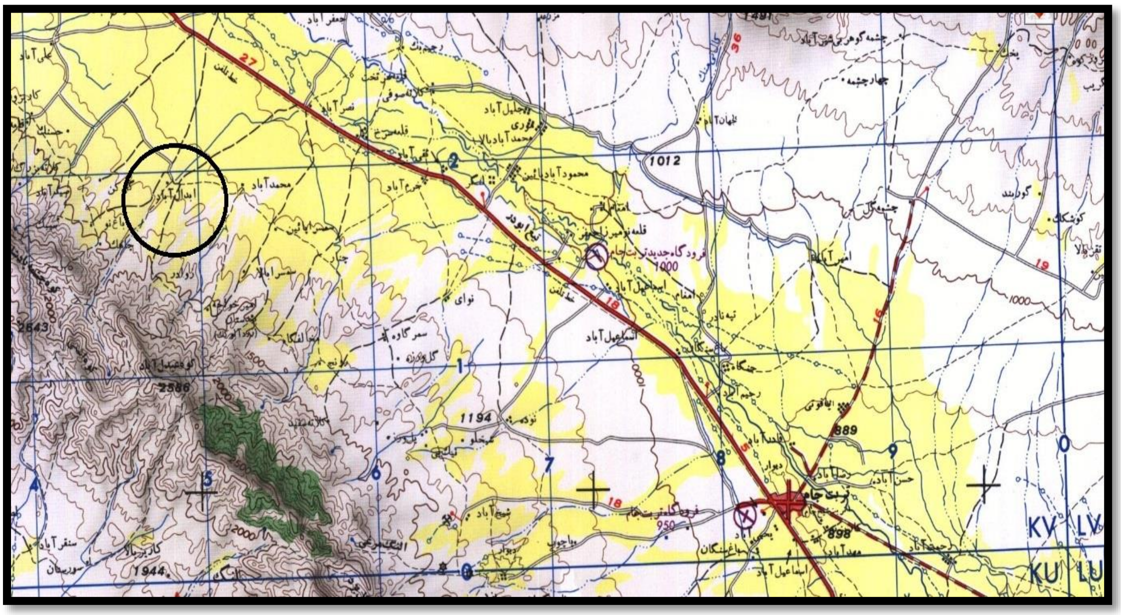
تپه انبزک غربی به‌صورتپشته‌ای بیضی شکل و کم‌ارتفاع، در موقعیت جغرافیایی ″۲۰٫۵۸′۲۳°۳۵ شمالی و ″۰٫۲۵′۱۵°۶۰ شرقی واقع شده است. کوه بزد چشم‌انداز کوهستانی وسیعی را برای این پشته به‌وجود آورده است (تصویر ۲). در واقع تپه أنبَزَک در یکی از بهترین نقاط دشت جام قرار گرفته است؛ چرا که خاک حاصلخیر و پوشش گیاهی مناسب، امکان کشاورزی و چرای دام را به بهترین نحو ممکن فراهم ساخته است. گسترش و توسعه راه آسفالته کارخانه سیمان غرب آسیا در سال ۱۳۸۸ خورشیدی، سبب شناسایی این تپه مهم گردیده است؛متأسفانه در این فرآیند بخشی از تپه توسط ماشین‌آلات راهسازی از بین رفته است که در نتیجه آن آثار خاکستر، سفال، استخوان و همچنین بقایای معماری از دیواره تپه بیرون زده است (تصویر ۳). علاوه بر این قسمتی

*. محوطه تاریخی مخار که در داخل شهر تربت‌جام واقع شده است، شواهد مهمی از دوران مختلف تاریخی بویژه دوران مفرغ را نشان می‌دهد.

**. انبزک در لهجه محلی به مکانی گفته می‌شود که در آن گندم آرد می‌شود. طبق اظهارات اهالی روستای ابدال‌آباد، در تپه انبزک گندم آسیاب می‌شده است!

***. در این سطور، منظور از بررسی خطی، نوعی از بررسی است که در امتداد یک مسیر مخصوص و به صورتی پراکنده انجام می‌پذیرد. در این نوع بررسی صرفاً محوطه‌هایی مورد مطالعه قرار می‌گیرد که قابل دسترس بوده و اطلاعات مختصری درباره آن‌ها موجود باشد. در بررسی هیئت آلمانی، این بررسی یک هدف ثانویه به شمار می‌رفته است (korbel, 1980).

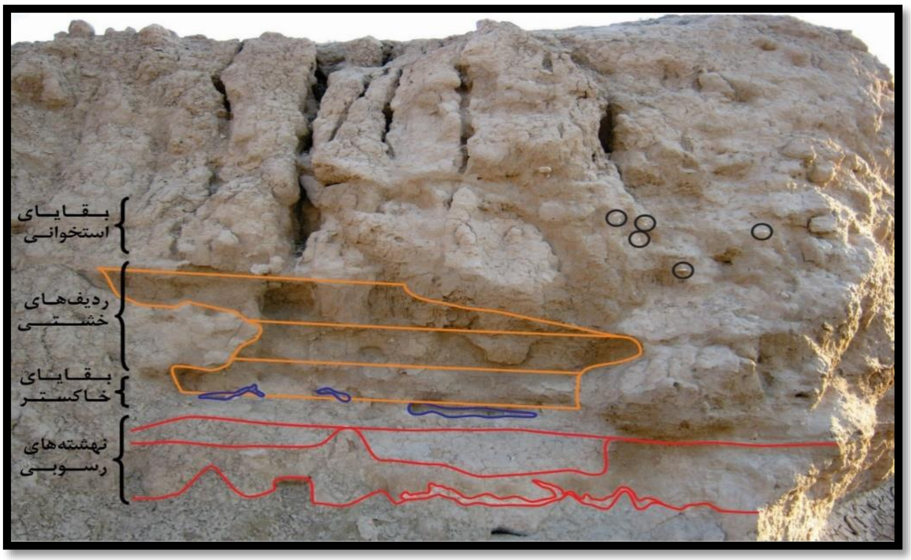
از دیواره شمالی تپه نیز توسط روستاییان به منظور تقویت زمین‌های کشاورزی برداشت شده است. همچنین دو چاله کم‌عمق نیز در مرکز تپه ایجاد شده که چوپانان از این چاله‌ها به منظور اقامت کوتاه‌مدت، استفاده می‌کنند. بر روی تپه پراکندگی سفالی اندک بوده و این‌طور می‌توان گفت تپه دارای مشخصه خاصی به‌جز ارتفاع از سطح زمین‌های اطراف نیست و در زمین‌های کشاورزی اطراف تپه نیز، آثار فرهنگی بسیار مختصری مشاهده می‌شود.



شکل ۱. بخشی از نقشه شهرستان تربت‌جام و راه دسترسی به روستای ابدال آباد؛ مقیاس: ۱,۲۵۰۰۰۰ (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۵۱)



شکل ۲. تپه أنبَزَک غربی؛دید: شمالی (نگارندگان، ۱۳۹۱)



شکل ۳. انباشت لایه‌ها و مواد فرهنگی در بخشی از دیواره تپه (نگارندگان، ۱۳۹۱)

تپه أنبَزَک شرقی

این تپه در موقعیت جغرافیایی ″۳۵°۲۳′۳۳ عرض شمالی و ″۶۰°۱۵′۶۵ طول شرقی، در روستای ابدال‌آباد واقع شده است. تپه مذکور در سال ۱۳۹۱ خورشیدی در جریان بررسی شخصی نگارندگان شناسایی شد. این تپه از نظر ظاهری به صورت مخروطی و نسبتاً کوچک، در شمال‌شرق روستای ابدال‌آباد و به فاصله ۱ کیلومتری از تپه «أنبَزَک غربی»، در زمین‌های کشاورزی قرار گرفته است (تصویر ۴). در قسمت میانی و غربی این تپه نیز، چاله‌هایی به منظور اقامت کوتاه-مدت چوپانان ایجاد شده است و در نتیجه آن قطعات سفالین بیرون ریخته شده است.با این وجود، پراکندگی سفال بر سطح تپه بسیار اندک است.



شکل ٤. تپه أنبَزَک شرقی؛ دید: جنوب شرقی (نگارندگان، ۱۳۹۱)

توصیف، تحلیل و گاهنگاری مواد فرهنگی

تمامی مواد فرهنگی گردآوری شده از تپه‌های أنبَزَک محدود به سفالینه‌ها و هم‌چنین لبه یک ظرف سنگی است و تنوع و فراوانی خاصی در مواد فرهنگی گردآوری‌شده مشاهده نمی‌گردد. البته همین داده‌های اندک نیز بسیار ارزشمند به شمار می‌آیند؛ چراکه تپه‌های أنبَزَک به دورانی از تاریخ خراسان تعلق دارند که اطلاعات و داده‌های کمی از آن شناسایی گشته و به همین دلیل دارای اهمیتفراوانی از نظر باستان-شناختی خواهند بود.

سفال‌های گردآوری شده از سطح دو تپه از نظر ساختاری، ویژگی‌های فنی و بافتی، مشابه یکدیگر هستند؛ به‌همین دلیل، سفال‌های هر دو تپه به‌صورت یک مجموعه واحد مورد بررسی قرار گرفته است. در طبقه‌بندی این نمونه‌ها، فرم لبه و رنگ سفال به‌عنوان مبنایی برای شناخت و همچنین گونه‌شناسی قرار گرفته است. این سفال‌ها در طیف-های رنگی نارنجی، آجری، نخودی و سیاه بوده و از ماده چسباننده شن، سنگ‌ریزه و کاه به‌عنوان شاموت در آنها استفاده شده است. همچنین به‌دلیل وجود آهک در مواد تشکیل‌دهنده سفال، این ماده در اثر تماس با رطوبت، دچار شکفتگی شده و باعث ایجاد خلل و فرج بر روی بدنه سفال شده است. حرارت برای پخت اغلب سفال‌ها کافی بوده؛ ولی در شماری از سفال‌ها نیز آثار دودزدگی نشان از پخت ناکافی سفال‌ها دارد. در سطح خارجی و یا داخلی برخی از سفال‌ها از پوشش گلی رقیق نخودی یا شیری استفاده شده است. از نظر تکنیک ساخت نیز باید گفت که تمامی سفال‌ها به‌إستثنای یک قطعه، چرخ‌ساز بوده و آثار دودزدگی بر روی بدنه و به‌ویژه کف این ظروف دیده می‌شود.

أشکال*

تمامی نمونه‌های موجود در مجموعه در دو دسته کاسه‌ها و خمره‌ها طبقه‌بندی شده و مورد مقایسه گونه‌شناختی قرار گرفته‌اند.

کاسه‌ها. کاسه با لبه گرد ساده از جمله فرم‌هایی است که در شکل ۱ و ۲ مشاهده می‌شود. نمونه اول (شکل ۱) از جمله ظروف شاخص دوره هخامنشی است که در اصطلاح به ظروف «لاله‌ای شکل» معروف هستند. البته باید دانست که تولید این کاسه‌ها در دوران اشکانی نیز ادامه یافته و به‌همین دلیل در مناطق تحت نفوذ این شاهنشاهی نیز کشف گردیده‌اند (Adachi, 1997; fig. 8). بنابراین شکل ۱ را می‌توان با نمونه‌ای از دوره هخامنشی مکشوفه از باروی تخت جمشید (عطایی، ۱۳۸۳: ل. ۱؛ ۲ و ۵) و همچنین با نمونه‌های دوره اشکانی ایران (Adachi, 1997; fig. 8) مشابه دانست. شکل دوم با نمونه‌ای از إرک-قلعه مرو (Usmanova, 1992; Fig. 7) و همچنین باروی تخت جمشید (عطایی، ۱۳۸۳: ل. ۷: ۱۲) متعلق به دوره هخامنشی قابل مقایسه است. شکل ۳ با لبه پخ برگشته به بیرون با نمونه‌ای از محوطه هخامنشی دهانه غلامان (زهبری، ۱۳۹۱: لوحه ۱۴: ۱۲۴) مشابهت دارد. شکل ۴ نیز که با فرم مذکور ساخته شده است، با نمونه‌ای از هگمتانه متعلق به دوره اشکانی (هژبری، ۱۳۹۲: ش.۴: ۳۹) مشابه است. شکل ۵ (لبه گرد متمایل به بیرون) با نمونه‌ای از سفال‌های اشکانی سیستان (روستایی، ۱۳۹۱: لوحه ۲۰: ۱۴۲) قابل مقایسه است. شکل ۶ (لبه گرد متمایل به بیرون) با نمونه‌ای از إرک‌قلعه مرو (Usmanova, 1992; Fig. 7) و همچنین با نمونه‌ای از باروی تخت جمشید (عطایی، ۱۳۸۳: ل. ۱: ۷) متعلق به دوره هخامنشی قابل مقایسه است. شکل ۷ با لبه تیز برگشته به درون با نمونه‌ای از باروی تخت جمشید (عطایی، ۱۳۸۳: ل. ۳: ۹) مشابهت دارد. شکل ۸ (با لبه پخ ساده) با نمونه‌ای از محوطه شمشیرغار افغانستان (Dupree, 1958; Fig. 30: G) و هچنین با نمونه‌ای از سیستان ایران (روستایی، ۱۳۹۱: ل. ۱۴: ۹۸) متعلق به دوره اشکانی، مشابه است. شکل ۹ (با لبه پخ ساده) با نمونه‌ای از قلعه یزدگرد (Keall & Keall, 1981; fig. 10: 22) مشابهت دارد. شکل ۱۰ نیز با لبه تیز متمایل به بیرون با نمونه‌ای از محوطه نادعلی افغانستان (Faireservis, 1961; fig. 18: b) متعلق به دوره هخامنشی، قابل مقایسه است.

خمره‌ها. از جمله فرم‌های دیگری که در جریان بررسی شناسایی شد، خمره‌ها هستند که گونه‌های متفاوتی را شامل می‌شوند. از اشکال این گروه می‌توان به خمره‌های با لبه گرد اریب به بیرون (اشکال ۱۱، ۱۲ و ۱۳) اشاره نمود که نمونه اول (شکل ۱۱)، با نمونه‌هایی از محوطه دهانه غلامان سیستان (زهبری، ۱۳۹۱: ل. ۴: ۳۲) و همچنین باروی تخت جمشید (عطایی، ۱۳۸۳، لوحه ۳۵: ۲) قابل مقایسه است. نمونه دوم (شکل ۱۲) نیز با سفالینه‌های کوه خواجه سیستان (بنی‌جمالی مقدم، ۱۳۸۵: لوحه ۲۱: ۱۰) مشابه می‌باشد. نمونه سوم (شکل ۱۳) با نمونه‌ای از سفال اشکانی قلعه یزدگرد (Keall & Keall 1981, fig. 29: 6) مشابهت دارد. شکل ۱۴ با لبه پخ تیز اریب به بیرون از گونه‌های دیگری است که با نمونه‌ای از محوطه هخامنشی دهانه غلامان (زهبری ۱۳۹۱، لوحه ۲۷:۲۵۶) قابل مقایسه است. شکل ۱۵ با لبه تخت اریب به بیرون با سفال‌های اشکانی قلعه یزدگرد (Keall & Keall 1981, fig. 9: 14) مشابهت دارد. شکل ۱۶، متعلق به یک ظرف سنگی است که دارای لبه‌ای تیز و متمایل به درون است و با نمونه‌ای از باروی تخت جمشید

*. به منظور آگاهی از نتایج مقایسات گونه‌شناختی، در انتهای مقاله تمامی نمونه‌ها به همراه منابع مقایسات در جدول ۱ آمده است.

(عطایی ۱۳۸۳، لوحه. ۶۹: ۱۶) قابل مقایسه است. شکل ۱۷ با لبه تیز اریب به بیرون با سفال بدست آمده از محوطه هخامنشی دهانه غلامان سیستان (زهبری، ۱۳۹۱: ل. ۱۷: ۱۴۳) مشابهت دارد. شکل ۱۸ با لبه تیز ساده با سفال‌های مکشوفه از باروی تخت‌جمشید (عطایی ۱۳۸۳، لوحه ۲۹: ۱۳) قابل مقایسه است. شکل ۱۹ با لبه گرد ساده نیز از جمله نمونه‌های بدست آمده در جریان بررسی بوده است که قابل مقایسه با نمونه‌ای مکشوفه از بردسیر کرمان، متعلق به دوره هخامنشی (خسروزاده، ۱۳۸۴: طرح ۳: ۱) قابل مقایسه می‌باشد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش که بر پایه بررسی‌های میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای استوار است، تپه‌های دوقلوی أنبَزَک برای نخستین بار مورد توصیف و تحلیل مفصل و دقیق قرار گرفت. نمونه‌های سفالین به‌عنوان تنها یافته‌های فرهنگی از تپه‌های مذکور نقش مهمی در ارائه گاهنگاری و آغاز و انجام این پژوهش بر عهده داشته‌اند. این نمونه‌ها با محوطه‌های زیادی در شرق و غرب ایران مقایسه گردیده‌اند. مهم‌ترین نکته در این فرآیند، رعایت سلسله مراتب مربوط به مقایسه گونه‌شناختی بوده است که در این پژوهش بدان توجه شده است. به عبارت دیگر، تقدم استفاده از نتایج محوطه‌های کاوش‌شده نسبت به محوطه‌های بررسی شده و همچنین توجه به فاصله میان محوطه‌ها و حوزه‌ها از اساسی‌ترین نکاتی است که در خلال این پژوهش همواره مدنظر بوده است. بر این اساس، ۴۱ درصد از نمونه‌ها با حوزه شرق ایران، ۲۸ درصد با حوزه جنوب غرب ایران، ۱۸ درصد با حوزه غرب ایران، ۹ درصد با حوزه شمال شرق و ۵ درصد با حوزه جنوب‌شرق مقایسه شده‌اند (نمودار ۱). روشن است که این نتایج با توجه به انتشارات پژوهشگران و داده‌های در دسترس تنظیم گردیده است. متأسفانه همان‌طور که انتظار می‌رفت حجم انتشارات مربوط به حوزه شمال‌شرق بسیار اندک و یا غیر قابل در دسترس بوده و همین قضیه بر روی تحلیل‌ها و نتایج پژوهش نیز تأثیرگذار بوده است. البته شباهت نسبی نمونه‌های سفالی در دوره هخامنشی و اشکانی، میان حوزه‌های مختلف نکته‌ای اساسی و کلیدی به‌شمار می‌رود که زمینه را برای مقایسه با حوزه‌های دیگر فراهم می‌سازد*. در این دوران هر چند تفاوت‌های محلی و بومی بر روی فرم‌های سفالی تأثیرات خاص خود را دارد؛ لیکن در نمونه‌ها و فرم‌های زیادی مشابهت مشاهده می‌شود. به عنوان مثال برای مقایسات مربوط به نمونه‌های هخامنشی اغلب نمونه‌ها با حوزه فارس در جنوب‌غرب ایران و به طور مشخص با سفال‌های باروی تخت جمشید و همچنین با حوزه سیستان در شرق ایران و به طور مشخص محوطه دهانه غلامان مقایسه گردیده‌اند. تخت جمشید به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز سیاسی و اداری هخامنشیان به شمار می‌رود که در نتیجه بررسی روشمند باستان‌شناختی در باروی آن، نمونه‌های متعددی از فرم‌های سفالی بدست آمد که زمینه مناسبی را جهت مقایسات گونه‌شناختی فراهم آورده است. از سوی دیگر، دهانه غلامان سیستان تنها محوطه دوره هخامنشی در شرق به‌شمار می‌رود که نمونه‌های متعددی از سفالینه‌های دوره هخامنشی را عرضه نموده است. تک‌دوره‌ای بودن، ویژگی بارز این محوطه‌ها نسبت به محوطه‌های دیگر است که سبب می‌شود با قطعیت زیادی بتوان به مقایسه اقدام نمود.

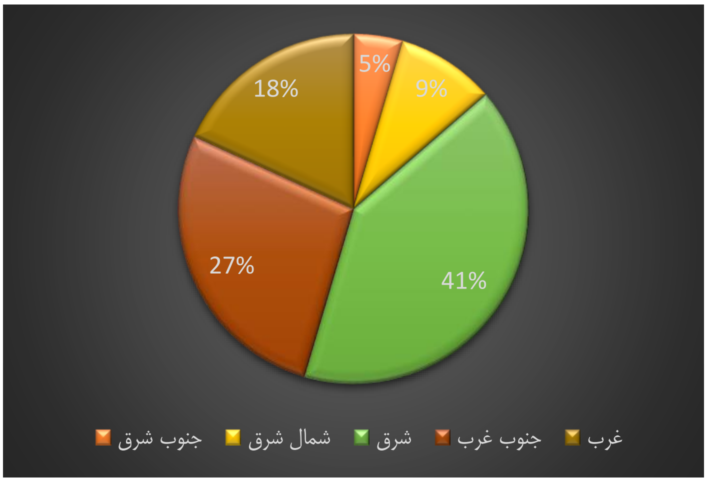
نتایج گونه‌شناختی فرم‌های سفالی نشان می‌دهد که در هر دو تپه فرم‌های مربوط به دوران هخامنشی و اشکانی وجود دارد و هر دو تپه در یک زمان مورد استفاده قرار گرفته است. شاید بتوان اینگونه فرض نمود که هر دو تپه آثاری از یک محوطه بزرگتر بوده که در زیر زمین‌های کشاورزی مدفون شده است. در مورد این فرضیه باید خاطرنشان نمود که در طی بررسی پیمایشی پیرامون این تپه‌ها، هیچ‌گونه ماده فرهنگی یافت نشده است و از این روی تا زمانی که عملیات تعیین عرصه و حریم صورت نگیرد نمی‌توان اظهار نظر قطعی نمود. از سوی دیگر با توجه به ارتفاع کم تپه‌ها از زمین‌های اطراف و داده‌های سفالی اندک (با کاربری آشپزخانه‌ای) شاید بتوان فرض نمود که هر دو تپه مربوط به استقرارهای کوچ‌نشین بوده؛ لیکن در این مورد نیز تا زمان عملیات کاوش‌های باستان‌شناسی نمی‌توان به طور دقیق اظهار نظر نمود. علاوه بر این قضیه، آثار سوختگی و دودزدگی بر روی جدار خارجی قطعات کف یافت شده و همچنین دیگر قطعات، نشان‌دهنده این نکته است که از این ظروف برای پخت و پز و کاربرد روزمره استفاده شده است. از نظر ساخت نیز اغلب قطعات مکشوفه، دارای کیفیت متوسط بوده و معمولا کف ظروف ضخیم‌تر از بدنه ساخته شده است که این اقدام جهت جلوگیری از شکستگی در برابر حرارت بوده است. بنابراین با مطالعه نمونه‌های سفالی و همچنین وجود لایه‌های خاکستر در دیواره تپه غربی می‌توان گفت که احتمالاً استقرار موجود در این تپه‌ها نیز به فعالیت‌های روزمره و معمولی اختصاص داشته است.

مطالعات نمونه‌های سفالین دو نظریه را در ارتباط با مدت سکونت در این تپه‌ها مطرح می‌نماید. فرضیه نخست، این که دو تپه در دوران هخامنشی شکل گرفته و با توجه به فرم‌های سفالی، تا پایان دوران اشکانی مورد سکونت قرار گرفته است و فرضیه دوم در ارتباط با این تپه‌ها می‌تواند نمایانگر آن باشد که استقرار در هر دو تپه در اوایل دوران اشکانی شکل گرفته است و فرم‌های سفالی منسوب به دوران

*. مشابهت نمونه‌های سفالی در دوران هخامنشی و اشکانی نکته‌ای است که در مطالعات پژوهشگران به آن اشاره گردیده است. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: کخ، ۱۳۸۳: ۱۹۵؛ همچنین بنگرید به زهبری، ۱۳۹۲: ۳۵ و ۳۶.

هخامنشی، نشان‌دهنده تداوم سنت هخامنشی در دوران اشکانی است. اثبات هر یک از فرضیات مذکور وابسته به کاوش در این تپه‌ها است و تا آن زمان هرگونه اظهار نظر در این باره تنها با احتمالات روبرو است؛ اما باید در نظر داشت که در صورت تأیید هر کدام از فرضیات مذکور می‌توان گفت که پیشینه استقرارهای دوران تاریخی در دشت جام، قبل از دوران ساسانی نیز وجود داشته و در آینده می‌توان با توجه به این اهداف و انجام بررسی‌های بیشتر به نتایج بهتری دست یافت.

برای نخستین بار در دشت جام استقرارهایی مربوط به دوران مذکور مورد شناسایی قرار گرفته و از این لحاظ مطالعات آینده بر روی تپه‌های مورد نظر حائز اهمیت ویژه است. این دوران در تمام مناطق همجوار از جمله دشت درگز، نیشابور، افغانستان و مرو ترکمنستان، نسبتاً شناخته شده و با انجام بررسی‌های گسترده و روشمند در دشت جام شاید بتوان به جمع‌بندی قابل قبولی در مورد وضعیت باستان‌شناختی در این دشت و به تبع آن وضعیت باستان‌شناسی خراسان در این دوران رسید.



شکل ۵. مقایسات انجام‌شده با حوزه‌های مختلف جغرافیایی.

سپاسگزاری

نگارندگان از جناب آقای تاج‌محمدی رئیس میراث فرهنگی شهرستان تربت‌جام، خانم افسانه سربازی مسئول بخش پژوهشی میراث فرهنگی شهرستان تربت‌جام، جناب آقای کشت‌مندی، دهیار روستای ابدال‌آباد و دوست عزیزم آقای مهرداد پارسایی برازجانی صمیمانه سپاسگزاری کرده و برای افراد مذکور آرزوی موفقیت روزافزون را خواستار هستند.

منابع

بنی‌جمالی‌مقدم، لیلی، (۱۳۸۵)، *بررسی باستان‌شناختی کوه خواجه سیستان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

جامی‌الأحمدی، مانا، (۱۳۸۷)، *بازنگری مطالعات پارینه‌سنگی در حوضه رودخانه کشف‌رود و معرفی محوطه‌های جدید پارینه‌سنگی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی، دانشگاه تهران.

خسروزاده، علیرضا و ابوالفضل عالی. (۱۳۸۴). گزارش توصیفی فصل دوم بررسی و شناسایی شهرستان بردسیر،*گزارش‌های باستان‌شناسی ۴*. تهران، پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی: ۱۷۶-۱۵۹.

روستایی، صادق، (۱۳۹۱)، *مطالعه و بررسی سفال اشکانیان سیستان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان.

زهبری، زهره، (۱۳۹۱)، *مطالعه نمونه‌های سفالین مکشوفه از محوطه هخامنشی دهانه غلامان*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسیدانشگاه سیستان و بلوچستان.

زهبری، زهره، مهرآفرین، رضا، (۱۳۹۲)، مطالعه تطبیقی صنعت سفالگری شرق ایران با حوزه فارس در دوره هخامنشی (نمونه موردی: دهانه غلامان). *دو فصلنامه پژوهشی- تحلیلی هنر و فن*. سال اول، شماره اول، بهار و تابستان، صص: ۳۸- ۲۵.

سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، (۱۳۵۱)، *نقشه توپوگرافی شهرستان تربت‌جام؛ مقیاس ۱,۲۵۰۰۰۰*، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

عطایی، محمدتقی، (۱۳۸۳)، *معرفی سفال هخامنشی فارس: بررسی روشمند طبقه‌بندی‌شده باروی تخت‌جمشید*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.

کخ، هاید ماری، (۱۳۸۳)، *از زبان داریوش*. ترجمه پرویز رجبی، تهران: انتشارات کارنگ.

لباف خانیکی، رجبعلی، (۱۳۶۴)، *گزارش بررسی و شناسایی استان خراسان؛ تربت‌جام*.اداره میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی استان خراسان رضوی:منتشرنشده.

هژبری، علی، (۱۳۹۲)، لایه‌نگاری تپه هگمتانه همدان. *همایش ملی مطالعات باستان‌شناختی غرب ایران*، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی.

Adachi, T. (1997). The Fine Carinmated Bowls in the Iron Age.*Bulletin of the Ancient Orient Museum*, vol. XVIII, pp. 41–55.

Adachi, T. (2005). Considering the regional differences in the Parthian fine pottery. *Al-Rāfidān*, *26*: 25-36.

Ariai, A. & C. Thibault. (1975). Nouvelles précisions a propos de l'outillage Paléolithique ancient sur galets du Khorassan (Iran). *Paléorient*, 3: 101–108.

Dupree, L. (1958), *Shamshir Ghar: Historic Cave Site in Kandahar Province, Afghanestan, Vol. 46: Part 2*. New York, Anthropological Pappers of Natural History.

Fairservis, Walter, a. jr. (1961), *Archaeological Studies inthe Seistan Basin Of Southwestern Afghanestan and Eastern Iran, Vol. 48: Part 1*. New York, Anthropological Pappers of Natural History.

Golombek, L & Wilber, D. (1988). *The Timurid Architecture of lran and Turan. 2 Vol*. Princeton Monographs in Art and Archaeology XLVI. Princeton: Princeton University Press.

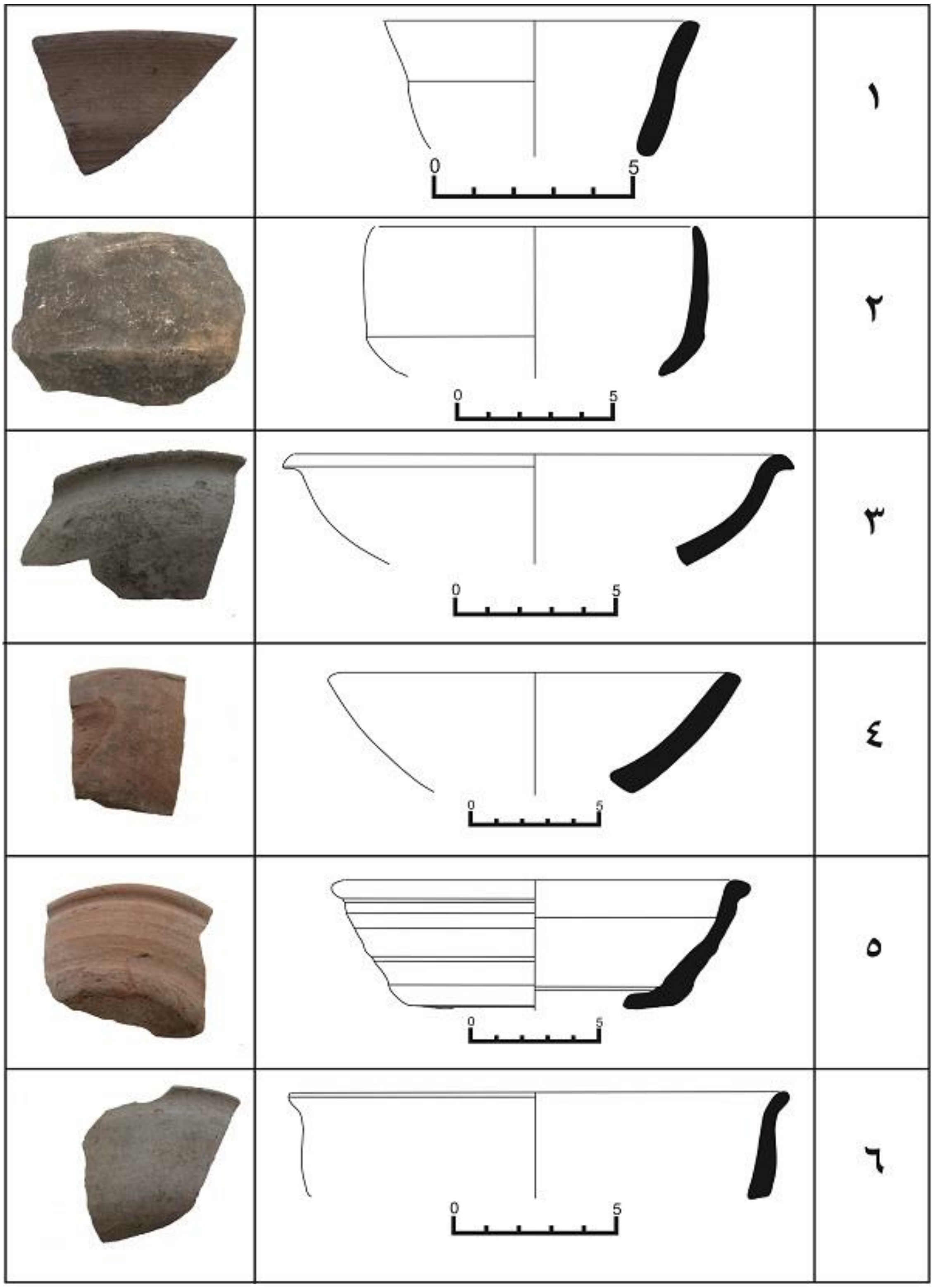
Keall Edward, J. & Keall, Marguerite J. (1981), the Qal'eh-i Yazdigird Pottery: A Statistical Approach. *Iran*, Vol. 19, pp. 33-80.

Korbel, Gunther. (1983). *Archäologische ergebnisse einer glandebehung im gebiet von Torbat-e Djam und Tayyebat* (Khorasan). *AMI*. Band 16. Pp. 18- 57.

Okane. Bernard. (1979). "Taybad, Torbat-i-Jam and Timurid Vaulting" *Iran*, XVII, PP.87-104.

Okane. Bernard. (1987). *Timurid Architecture in Khorasan.* Costa Meza.

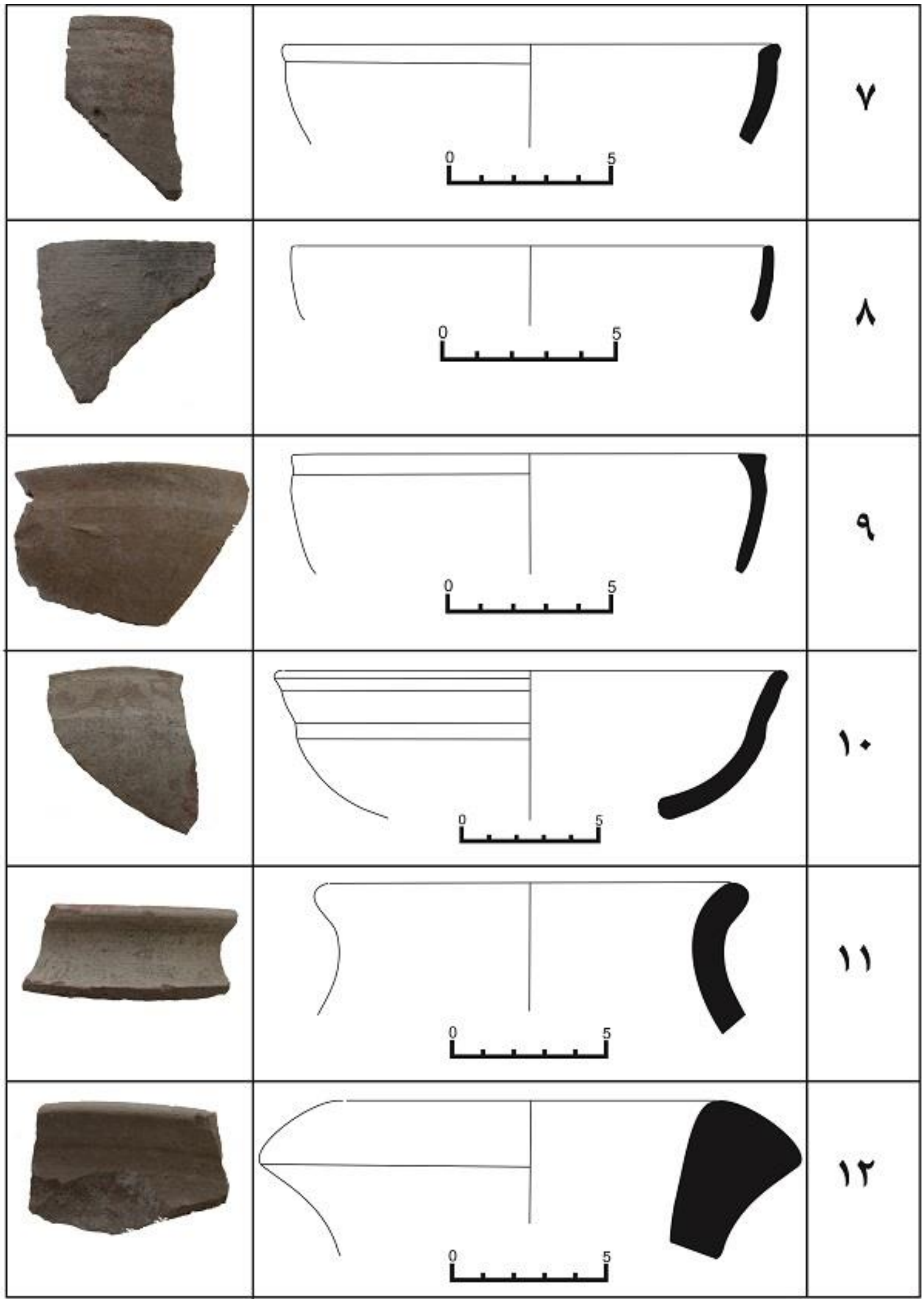
Usmanova Z. I. (1992), New Material on Ancient Merv, *Iran*, Vol. 30, pp. 55-63



شکل ٦. طرح و عکس نمونه‌های سفالین

جدول ۱. مشخصات و مقایسات گونه‌شناختی نمونه‌های سفالین.

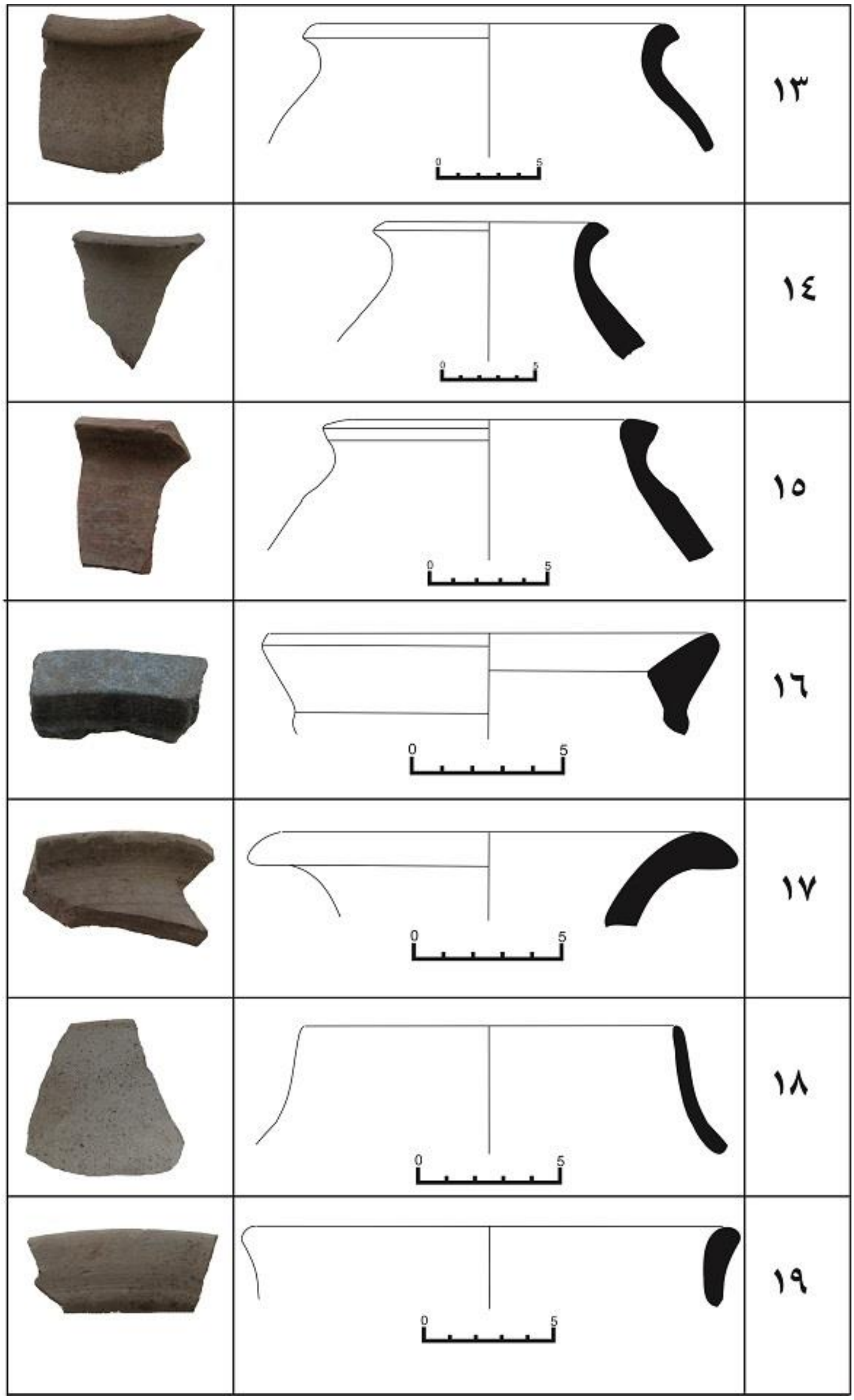
شماره لوحه: شماره سفال	شرح مشخصات (نوع قطعه- نوع ساخت- پخت- کیفیت- رنگ- پوشش)	دوره پیشنهادی	مکان مقایسه	منبع
۱:۱	لبه- چرخ‌ساز- کافی- متوسط- نخودی- پوشش گلی	هخامنشی	جنوب‌غرب (فارس: باروی تخت جمشید)	عطایی، ۱۳۸۳: ل. ۱؛ ۲ و ۵
		اشکانی	ایران	Adachi, 1997; fig. 8
۱: ۲	لبه- دست‌ساز- ناکافی- خشن- سیاه- خودرویه	هخامنشی	شمال‌شرق (مرو: إرک قلعه)؛ جنوب‌غرب (فارس: باروی تخت جمشید)	Usmanova, 1992; Fig. 7. عطایی، ۱۳۸۳: ل. ۷: ۱۲
۳	لبه- چرخ‌ساز- کافی- خوب- نخودی- پوشش گلی رقیق (سبز)	هخامنشی	شرق (سیستان: دهانه غلامان)	زهبری، ۱۳۹۱: ل. ۱۴: ۱۲۴
۴	لبه- چرخ‌ساز- ناکافی- متوسط- آجری- پوشش گلی	اشکانی	غرب (همدان: هگمتانه)	**هژبری، ۱۳۹۲: ش.۴۰: ۳۹**
۵	لبه- چرخ‌ساز- ناکافی- متوسط- آجری- خودرویه	اشکانی	شرق	روستایی، ۱۳۹۱: ل. ۲۰: ۱۴۲
۶	لبه- چرخ‌ساز- کافی- خوب- نخودی- پوشش گلی	هخامنشی	شمال‌شرق (مرو: إرک قلعه) جنوب‌غرب (فارس: باروی تخت جمشید)	Usmanova, 1992; Fig. 7 عطایی، ۱۳۸۳: ل. ۱: ۷



شکل ۷. طرح و عکس نمونه‌های سفالین

جدول ۲. مشخصات و مقایسات گونه‌شناختی نمونه‌های سفالین.

شماره لوحه: شماره سفال	شرح مشخصات (نوع قطعه- نوع ساخت- پخت- کیفیت- رنگ- پوشش)	دوره پیشنهادی	مکان مقایسه	منبع
۲: ۷	لبه- چرخ‌ساز- کافی- متوسط- نخودی- پوشش گلی	هخامنشی	جنوب‌غرب (فارس: باروی تخت جمشید)	عطایی، ۱۳۸۳: ل. ۳: ۹
۲: ۸	لبه- چرخ‌ساز - کافی- متوسط- آجری- پوشش گلی	(اشکانی) کوشانی اولیه اشکانی	شرق (افغاستان: شمشیرغار) شرق	Dupree, 1958; Fig. 30: G روستایی، ۱۳۹۱: ل. ۱۴: ۹۸
۲: ۹	لبه- چرخ‌ساز- کافی- خوب- نخودی- پوشش گلی	اشکانی	غرب (کرمانشاه: قلعه یزدگرد)	Keall & Keall, 1981; fig. 10: 22
۲: ۱۰	لبه- چرخ‌ساز- کافی- متوسط- نخودی- پوشش گلی	هخامنشی	شرق (افغانستان: نادعلی)	Faireservis , 1961; fig. 18 :b
۲: ۱۱	لبه- چرخ‌ساز- ناکافی- متوسط- نخودی- پوشش گلی	هخامنشی	شرق (دهانه غلامان)؛ جنوب‌غرب (فارس: باروی تخت جمشید)	زهبری، ۱۳۹۱: ل. ۴: ۳۲؛ عطایی، ۱۳۸۳، لوحه ۳۵: ۲
۲: ۱۲	لبه- چرخ‌ساز- ناکافی- خوب- آجری- پوشش گلی	اشکانی	شرق (سیستان: کوه خواجه)	بنی‌جمالی مقدم، ۱۳۸۵: لوحه ۲۱: ۱۰



شکل ۸. طرح و عکس نمونه‌های سفالین.

جدول ۳. مشخصات و مقایسات گونه‌شناختی نمونه‌های سفالین.

شماره لوحه: شماره سفال	شرح مشخصات (نوع قطعه- نوع ساخت- پخت- کیفیت- رنگ- پوشش)	دوره پیشنهادی	مکان مقایسه	منبع
۳: ۱۳	لبه- چرخ‌ساز- ناکافی- متوسط- آجری- پوشش گلی	اشکانی	غرب (کرمانشاه: قلعه یزدگرد)	Keall & Keall,, 1981; fig. 29: 6
۳: ۱۴	لبه- چرخ‌ساز - ناکافی- متوسط- نخودی- خودرویه	**هخامنشی**	شرق (سیستان: دهانه غلامان)	زهبری، ۱۳۹۱: ل. ۱۶: ۱۳۶
۳: ۱۵	لبه- چرخ‌ساز- کافی- متوسط- آجری- پوشش گلی	**اشکانی**	غرب (کرمانشاه: قلعه یزدگرد)	Keall & Keall,, 1981; fig. 9: 14
۳: ۱۶	لبه سنگی (آذرین)	هخامنشی	جنوب‌غرب (فارس: باروی تخت جمشید)	عطایی ۱۳۸۳، لوحه. ۶۹: ۱۶
۳: ۱۷	لبه- چرخ‌ساز- کافی- متوسط- نخودی- پوشش گلی	هخامنشی	شرق (سیستان: دهانه غلامان)	زهبری، ۱۳۹۱: ل. ۱۷: ۱۴۳
۳: ۱۸	لبه- چرخ‌ساز- کافی- خوب- نخودی- پوشش گلی	هخامنشی	جنوب‌غرب (فارس: باروی تخت جمشید)	عطایی ۱۳۸۳، لوحه ۲۹: ۱۳
۳: ۱۹	لبه- چرخ‌ساز- کافی- متوسط- نخودی- پوشش گلی	هخامنشی	جنوب شرق (کرمان: بردسیر)	خسروزاده، ۱۳۸۴: طرح ۳: ۱

Anbazak Hills: The Achaemenid and Parthian Newfound in the East of Khorasan (Iran); Torbat-e-Jam

Javad Khodadoost[1]
Seyyed Rasool Mousavi Haji[2]
Shahin PooraliyariAliasqar[3]
MahmoodiNasab[4]

Abstract

The plain valley of Jam is the one of fertile plains in Khorasan Razavi province that has long been considered due to the placement of communications Iran, Afghanistan and Turkmenistan. Moreover, a good position agriculture and desirable landscape militarily and economically is the other factors that led to the importance of this field. The City of Torbat-e-Jam is the largest human settlement in the valley that in Jamroud Littoral and is formed in the middle of this plain. This city dates back to the Bronze Age on the evidence available to it. In addition the city of Torbat-e-Jam, we can name more villages and settlements that shaped in this plain and often engaged in agriculture and animal husbandry. In 2011 A.D, during a personal survey in this plain (by the authors), two hills famous to Anbazak was identified and study potteries collected from them. The study that was based on a survey of field and library studies, the twin hills of Anbazak for the first time accurately was described and detailed analysis. The samples of potteries as the only cultural findings of this hills have an important role in providing a chronology and the beginning and doing about this study. Prove any of the assumptions related to exploring the scientific and methodical exploration hill without any comment on the matter only faced with the possibilities, but it should be noted that if approved any of the assumptions for the first time in the plains of the period and recognized in future studies on the important hills special. This time in the neighboring areas, including plain Dargaz, Nishapur, Merv, Turkmenistan, Afghanistan relatively well-known and widespread and systematic survey conducted in plain may be acceptable to the Conclusions on the situation in this Plain and consequently reached the status of archaeology in Khorasan during this period.

Keywords: Khorasan, Torbat-e-jam, Ebdal Abad Village, Anbazak Hills, Achaemenid Period, Parthian Period.

1. Graduate Student in Archaeology, University of Mazandaran (Corresponding Author)
Javad.Khodadoost@Gmail.Com
2. Department Archaeology of University of Mazandaran.
3. Graduated Student in Archaeology, University of Mazandaran.
4. Graduate Student in Archaeology, University of Mazandaran.